

وکالت در فرانسه

«پس از آنکه آخرین قانون مورخ دهم آوریل ۱۹۵۴ بموجب»
«فرمان شماره ۴۰۶-۵۴ راجع به مقررات عمومی شغل وکالت»
«و نظامات کانون در ۱۱ آوریل ۱۹۵۴ در روزنامه رسمی»
«انتشار یافت کتابها و مقاله‌هایی در بحث و شرح قانون»
«مزبور تدوین و منتشر گردید که کتاب *حرفه وکالت* ۱ تألیف»
«لوئی کرمیو ۲ استاد ممتاز دانشکده حقوق اکس مارسی ۳ و»
«باتونیه سابق کانون وکلای استان اکس در ردیف اول کتابهای»
«مزبور است. چاپ اول این کتاب در سال ۱۹۳۹ بوده که در»
«چاپ دوم تمام تغییرات از آن تاریخ و قواعد و مقررات ناشی»
«از قانون دهم آوریل ۱۹۵۴ مورد نظر مؤلف قرار گرفته.»
«اینک کتاب مزبور با عنوان اختصاری وکالت و افزودن جمله»
«در فرانسه ترجمه و به تدریج چاپ میشود. تیرماه ۱۳۵۴»

مقدمه

۱- اهمیت و دشواری شغل وکالت.

شغل وکالت در تمام ادوار تاریخ و پیش همه ملت‌ها از نقطه نظر اجتماعی در ردیف نجیب‌ترین و شریف‌ترین و پراهمیت‌ترین مشاغل بشمار آمده است. وکیل برای استقرار عدالت با دستگاه قضائی همکاری میکند و با سنجیه و

- 1) *Traité de la Profession d'Avocat*
- 2) Louis Crémieu
- 3) Aix - Marseille

خاصیت یار و یاور داسراها و دادگاهها وظیفه خطیر خود را انجام میدهد. وی تمام نیروی فعاله، معلومات و دانش حقوقی، نبوغ و هنر خود را در اختیار کسانی قرار میدهد که شرف، خانواده، دارائی و زندگی آنان در مخاطره قرار گرفته است. وکیل برای این اشخاص چراغ راهنماست. وکیل يك عنصر فعال مستقل است و هیچنوع تبعیت از کسی یا مقامی ندارد. نسبت به وظایف وکالتی خود جز در برابر وجدان و همکاران بازخواست نمیشود. با همه اینها شغل وکالت از سخت‌ترین مشاغل است. این شغل میتواند رضایت‌ها و شادیهای بزرگ و یا رنج‌ها و تلخی‌های وحشت‌انگیز فراهم آورد. آنرا نباید سبک و ناچیز شمرد.

۲- سجایای اصلی وکالت.

برای انجام این شغل به شایستگی و با موفقیت باید سجایای متعدد و مواهب طبیعی زیادی را دارا بود. وکیل باید دارای فرهنگ عمیق و شناخت دقیق و معرفت همه‌جانبه باشد. اطلاعات و معلوماتش باید خیلی وسیع و گسترده باشد. زیرا هیچ موضوعی نیست که از قلمرو فعالیت او خارج باشد. باید حریص آزمونها و مباحث مربوط به مسائل مختلفی باشد که روزی با آنها مواجه خواهد شد. مهمتر از همه باید به تمام نکات باریک و پیچیده قضائی تسلط داشته و علم حقوق را عصای دست خود بداند. زیرا هیچ مسئله حقوقی را نمیتوان حل کرد مگر اینکه اصول و قواعد آن در ذهن رسوخ کرده و در فکر جا گرفته باشد. این اصول و قواعد نیز باید مربوط به شعبه‌های حقوق خصوصی و حقوق عمومی خاصه حقوق مدنی، حقوق تجارت زمینی و دریائی، حقوق جزاء، آئین دادرسی مدنی و کیفری و اداری و مقررات مالی باشد. برای اینکه یکنفر وکیل خوب باشد باید کار خود را دوست داشته باشد و با يك نظم و ترتیب خاص آنرا انجام دهد و معلومات مربوط به شغل خود را با شیوه منطقی توسعه دهد و همیشه در جریان پیشرفت‌های علم حقوق مخصوصاً امور تقنینی و رویه‌های قضائی باشد. هیچ چیز ناراحت‌کننده‌تر و بدتر ازین نیست که به موکل اطلاعات گمراه‌کننده و عقائد مشکوک ارائه شود.

وکیل باید پشتکار داشته باشد و آنرا با سرسختی و پابرجائی توأم نماید. زیرا پشتکار و پایداری وی را به توفیق و کامیابی میرساند. وکالت از مشاغل است که بیشتر از همه به اجتناب از تعجیل در اخذ نتیجه و مقاومت در برابر محرومیت‌ها و یأسها و دلسردیها نیاز دارد.

شغل وکالت همچنین ایجاب میکند که دارنده آن به مجموعه‌ای از سجایای اخلاقی و مواهب فطری متصف باشد. او باید از بیان شیوا و آسان، حافظه خوبه،

نفوذ در برخورد و دلنشینی در آهنگ صدا، اندیشه روشن، دلپذیری و مهربانی، بی تکلفی، تربیت عالی برخوردار باشد. همچنین سلامت جسمی خود را حفظ کند تا وقتی به ساحل موفقیت میرسد بعلت پیروی زودرس برکنار نشود. زیرا او نمیتواند زمان را از حرکت باز دارد بلکه باید خود را برای استفاده از زمان طولانی حفظ و حراست کند.

از تمام سجایای اخلاقی مهمتر و برجسته تر که روح و کالت شناخته شده تقوی و درستکاری است.

وکیل باید در حد اعلای شرف و پرهیزکاری باشد، باید حس غریزی راستی و درستی را ملکه روح سازد تا همیشه احترام لباسی که پوشیده و سوگندی که یاد کرده محفوظ بماند. مگر نه اینست که وکیل را «مظهر شرف و استاد بیان» تعریف کرده اند؟

باید همیشه و در تمام شرایط در برابر شاکیبانی که از وی یاری خواسته اند اعتدال و بیغرضی و عدم پایبندی به منافع شخصی را عملاً نشان دهد. وکیل باید از جستجوی موکل سخت بپرهیزد. همچنین از سختی و شدت در حق الوکاله دوری گزیند.

نباید فراموش کند که در طول قرن‌ها وکیل خدمات مجانی انجام داده و حق الزحمه وی بدون هیچگونه مطالبه و یادآوری بشکل «حس حقشناسی» از طرف موکلین پرداخت شده است.

وکیل نمیتواند مباشر انجام امری شود مگر بر اثر اعتمادی که موکلین و شاکبان، همکارانی که در برابر وی هستند و قضاتی که سخنان وی را گوش میدهند نسبت به وی احساس میکنند. بنابراین باید ثابت بکند که وی از «گروه آرمانی انسانهای مستقل و بیغرض» میباشد.

نخستین و بدترین خطری که میتواند این شغل شریف را تهدید کند «تجارتی-گردانیدن» آنست که وکیل را تا حد «حق العمل کاران» تنزل میدهد و خدمت و وظیفه‌ای را که در اجتماع و در میان مردم دارد از یاد آنها میبرد.

وکیل همچنین باید مظهر و نمونه شهامت و شجاعت باشد. او نباید دفاع از موضوعی را که ممکن است خطراتی برای وی بوجود آورد نپذیرد. در تمام شرایط باید وظیفه خود را بدون وا همه و سستی انجام دهد.

استقلالی که وی بآن تکیه دارد همه مردم را در برابر تعدی و بیدادگری حمایت میکند بنابراین وی نیز باید پرچم آنرا بدون ضعف و ترس بدوش کشد.

بالجمله، وکیل برای توفیق در شغل خود باید شغل خود را دوست داشته باشد. باید آنرا مثل يك «مقام روحانی» بداند. این دوست داشتن و این مصونیت است که ویرا در راه وظیفه‌اش همراهی و یاری خواهد کرد و او را در برابر تلخیها و رنجهای ناشی از ناکامیها یا حق‌ناشناسیهای پاره‌ای از موکلین حمایت خواهد نمود.

شرف و اعتبار شغل وکالت اینست که در کنار کسانی باشد که خود را از حیث جان و مال و آبرو مورد تعدی می بینند.

۳- ضرورت آگاهی کامل قواعد و مقررات وکالت.

برای توانائی انجام وکالت بطرز شایسته و مفید باید آنرا خوب شناخت. لیسانسیه های حقوق که سوگند یاد میکنند و عضو يك کانون میشوند تقریباً چیزی از مقررات این شغل نمیدانند. گاهی در آغاز کار بر اثر ناآگاهی مرتکب خطاهائی در وظایف وکالتی خود میشوند که ممکن است آینده آنها را بخطر اندازد. در این روزهایی که ما هستیم کانونهای وکلا ضرورت تنظیم و اجرای مقرراتی را برای جوانانی که خود را آماده شغل وکالت میسازند دریافته و قواعدی برای دوره آمادگی، کارآموزی وضع و بموقع اجرا میگذارند، همچنین در دانشکده های حقوق سخنرانیهای خاص برای آشنائی دانشجویان به فن و تکنیک وکالت و آزمایشهای عملی شکایت و دادرسی و شیوهها و روشهای اخلاقی آن ترتیب داده و بوسیله نشریه های خاصی جنبه های مشخص وکالت را روشن میسازند. جوانان نیز باید پیش از گرایش به راه سخت و دشوار وکالت که ممکن است همراه با خشنودیهای فراوان ناکامیهای شدیدی نیز داشته باشد به اصول اساسی آن آگاه شوند و استعداد خود را در این مورد آزمایش نمایند.

۴- نقشه کار و موارد بحث.

بررسی و بحثی که در صدد انجام آن هستیم نمایشگر آن چیزی است که امروز در قلمرو وکالت هست و نشان دهنده چیزی است که در آینده باید بوجود آید. زندگی وکالتی، این Curriculum Vitae را در سه مرحله، که در همه جا وجود دارد شرح میدهیم:

- ۱- چگونه میتوان وارد وکالت شد.
 - ۲- این شغل چگونه اجرا میشود؛ سازمان کانونهای وکلا و دستگاههای مختلف آن، اعمال آنها، حقوق و وظایف وکلا.
 - ۳- چگونه وکالت پایان میپذیرد، مقام افتخاری، واماندگی یا کناره جوئی از وکالت، تعلیمات و پیش بینی ها و یاوریهما.
 - ۴- وکیل در حقوق تطبیقی.
- همچنین ما نتیجه گیری خواهیم کرد به شکل پیشنهاد، اصلاحاتی را که امروزه برای بهتر و متناسب تر ساختن شغل وکالت مطرح مذاکرات میباشد.

۵- منابع بحث.

الف - قوانین و مقررات.

ب - رویه‌های قضائی.

ج - عرفها و سنت‌ها.

۱- بخش اول

ورود به وکالت

۶- يك - تعريف.

وکیل حسب تعریف متداول کسی است که شغل وی طرح دعوی و دفاع از دعوی است.

این تعریف درست نیست، زیرا که کامل و منطقی نیست و فاقد جنبه‌های مشورت و سازش است که موضوع شکایت و طرح دعوی و دفاع از دعوی را تکمیل میکنند.

همچنین در این تعریف خدمات مربوط به نقش معاضدتی وکیل در دادرسی در محاکم عمومی (دادگاههای شهرستان و استان) و نقش نمایندگی وی در محاکم اختصاصی (دادگاههای بازرگانی، دادگاههای بخش، شوراهای حل اختلاف...) نشان داده نشده است.

وکیل را میتوان چنین شناخت که فردی است که دارای درجهٔ لیسانس در حقوق، همراه با گواهی استعداد اشتغال به وکالت بوده نام وی بطور رسمی و بر مبنای مقررات خاص در ضمن صورت اعضاء يك کانون پس از اتیان سوگند به ثبت رسیده باشد.

شغل وی شامل مشاوره، سازش، شکایت و دفاع است. اصولاً وکیل قائم‌مقام شاکی یا مدافع است و بطور استثنائی سمت نمایندگی پیدا میکند. (در حقوق فرانسه در دادگاههای شهرستان و استان اشخاص باید وکیل داشته باشند ولی در دادگاههای اختصاصی و بخش و حل اختلاف میتوانند شخصاً حاضر شوند و اگر وکیل معرفی کنند در واقع جانشین و قائم‌مقام نیست بلکه اصطلاحاً نماینده است.)

۷- دوم - مقام وکیل در دستگاه قضائی.

وکیل جزئی از دستگاه قضائی است و بهمین جهت است که شغل وی به خدمات عمومی پیوند مییابد.

دستگاه قضائی که مأمور اجرای عدالت است مرکب از دو نوع عضو است:

قضات و یاوران محاکم.

الف - قضات خدمتگزاران رسمی هستند. بعضی‌ها دادرسی میکنند (قضات

نشسته) بعضی دیگر نمایندگی اجتماع و دفاع از نظم عمومی را برعهده دارند (قضات ایستاده یا کارکنان دادرسی) اینها را دولت تعیین میکند که حقوق ماهانه میگیرند و حق بازنشستگی دارند.

ب - یاوران محاکم کسانی هستند که برای اجرای عدالت با قضات همکاری میکنند که عبارتند از:

صاحبمنصبان وزارتت و وکلا.

صاحبمنصبان وزارتت آنهاست که دولت سمت آنها را تعیین میکند بدون اینکه ماهانه دریافت دارند یا حق بازنشستگی داشته باشند و دستمزد خود را از مشتریان و موکلان دریافت میکنند. آنها عبارتند از:

مأمورین اجراء^۵ که وظیفه تحریر و ابلاغ احکام قضائی و تصمیمات محاکم را دارند.

آوونه‌ها^۶ که وظیفه اصلی آنها نمایندگی شاکیان در محاکم عمومی و تنظیم و تحریر شکوائیه و دادخواست‌ها بنام آنها (ad litem) و اجرای آئین و تشریفات دادرسی تا طرح دعوی در دادگاه.

دفترداران و بایگان^۷ که تحریرات اجلاسینه‌های دادرسی و تنظیم پرونده‌ها و ارسال احکام و تصمیمات و حفظ اسناد را برعهده دارند.

وکلا^۸ که نه مأمور و خدمتگزار دولتی و نه صاحبمنصب وزارتت هستند بلکه شغل آزاد تنظیم‌شده با مقررات خاص را انجام میدهند.

آنها افراد مخصوصی هستند که بموجب قانون برای اجرای شغل خود آماده بوده و عضو سازمانی بنام کانون هستند.

کانونها دارای وجود اختصاصی، شامل ارگانهای ویژه میباشند و نسبت به اعضاء خود حاکمیت انتظامی دارند.

وکلا با موکلان خود بوسیله یک پیمان مربوط میشوند، پیمانی که ماهیت آنرا توصیف خواهیم کرد، پیمانی که شامل وکالتنامه و حق الوکاله است.

۸- سوم - تقسیم.

ورود در شغل وکالت شامل مسائل متعدد است:

فصل اول - شرایط ضروری برای پذیرفته شدن در وکالت.

فصل دوم - کارآموزی: تشریفات و آئین مخصوص برای شروع کار، وظایف

وکلای کارآموز.

فصل سوم - کی و چگونه کارآموزی پایان میپذیرد. ثبت اسم در تابلوی وکلا.

5) Huissiers

6) avoués

7) greffiers

8) avocats

فصل اول

شرایط ضروری وکالت

۹- اصل.

شغل وکالت، بعلت اهمیت اجتماعی آن و معلومات و اخلاقیاتی که برای آن لازم است، آزاد و عاری از مقررات خاص نیست.

این شغل بجهت دلائل مربوط به نظم عمومی با آزادی کار که در ماده ۷ فرمان ۱۷-۲ مارس ۱۷۹۱ بیان شده منافات دارد.

شرایط ضروری بسیار است. نقش این شرایط ایجاد تضمینات ضروری و محیط سالم برای حسن اجرای وظائف قانونی است.

شرایط مزبور در قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۴۱ بیان شده و شامل موارد زیر است:

- ۱- صفت فرانسوی داشتن؛
- ۲- دیپلم لیسانس در حقوق و گواهی استعداد اشتغال به وکالت؛
- ۳- شایستگی اجرای واقعی وکالت؛
- ۴- تضمینات مربوط به شرافت و تقوی؛
- ۵- فقد موانع مستلزم عدم صلاحیت و طرد از وکالت.

قسمت اول

صفت فرانسوی داشتن

(تابعیت، سن، جنس)

۱۰- اول.

از اصطلاح «صفت فرانسوی داشتن»^۹ چه می‌فهمیم؟ ماده ۲۲ قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۴۱ مقرر داشته است که کلیه کسانی که درخواست پذیرش به کارآموزی در يك كانون میکنند باید در درخواستی که به شورای اداری^{۱۰} تسلیم میکنند در میان سایر مدارك دلیلی هم برای اثبات صفت فرانسوی داشتن خود ارائه نمایند.

این شرط از روزی که اعلامیه ۱۶ ژانویه ۱۶۲۰ انتشار یافته برقرار شده.

شرط مزبور ناشی از طبع و ماهیت وکالت است که يك خدمت عمومی واقعی است. در این شرط، وکالت با مشاغل صنعتی، تجارتي، فلاحتی که بموجب ماده ۱۱ قانون مدنی اشتغال بآنها مستلزم داشتن صفت فرانسوی نیست اختلاف دارد، شغل وکالت از قلمرو حقوق خصوصی نشئت نمیکند بلکه ناشی از قلمرو حقوق عمومی است. وکالت شغل آزادی است که مثل طبابت شبیه و در ردیف وظایف و خدمات عمومی و مأموریت‌های وزارتی است.

صفت فرانسوی داشتن میتواند به وسایل متعددی اثبات گردد. زیرا این موضوع

9) La qualité de Français

10) Conseil de l'ordre

يك امر مادی است.

موضوع تابعیت فعلا بوسیله مواد ۱۳۳ و ما بعد بموجب دستور ۱۹ اکتبر ۱۹۴۵ تحت نظم و قاعده درآمده است. معمولاً مدرک آن کتبی است: شناسنامه که حاکی از ولادت و همراه با دفترچه خاتمه خدمت نظامی یا يك کارت انتخاباتی. همچنین ممکن است گواهی تابعیت صادره از ناحیه قاضی دادگاه بخش باشد. یا نبودن مدارک کتبی میتوان تابعیت را بوسیله اقامه شهود ثابت کرد.

۱۱- مسئله‌ای که در این مورد مطرح است اینست که بدانیم داشتن صفت فرانسوی خاص هم‌شهریان فرانسوی^{۱۱} است یا شامل اتباع فرانسه هم میشود؟ يك اختلاف عقیده حاد در این مورد میان آمده است.

از اصطلاح «تبعه فرانسه» چه می‌فهمیم؟ این اصطلاح را در مورد بومیان مسلمان الجزایر و ماوراء دریاهاى تحت حاکمیت فرانسه بکار می‌برند. رویه قضائی اتباع فرانسه را با هم‌شهریان فرانسوی در اشتغال به وکالت در فرانسه یکسان دانسته است. محاکم نیز صفت فرانسوی داشتن را توسعه داده و شامل هر دو گروه تشخیص داده‌اند.

اما در خصوص حمایت‌شدگان فرانسوی چون مربوط به حاکمیت خارجی هستند و فقط تحت حمایت حکومت فرانسه می‌باشند و فاقد وصف فرانسوی بودن می‌باشند نمیتوانند بشغل وکالت اشتغال ورزند.

۱۲- دوم - وضع خارجیان در فرانسه مربوط به انجام شغل وکالت:

خارجی‌ها نمیتوانند در فرانسه بشغل وکالت اشتغال ورزند. این شغل نه ارتباط به حقوق خصوصی معمولی دارد که بموجب آنها خارجی‌ها نیز مثل فرانسویها از حقوق کامل برخوردارند و نه ارتباط به حقوق مدنی ویژه دارد که خارجی‌ها با رعایت معامله متقابل از آنها استفاده میکنند. بلکه شغل وکالت قسمتی از مجموعه خدمات عمومی است که وضع خارجی‌ها در این خصوص از نظر شرایط قانونی اشتغال به وظائف رسمی و خدمات دولتی ارزیابی میشود.

در این زمینه است که خارجی‌ها در فرانسه میتوانند به شغل حق‌المعمل‌کاری بپردازند ولی حق ندارند بشغل وکالت اشتغال ورزند.

نکته‌ای که در این خصوص هست اینست که در موارد نادر استثنائی وکلای خارجی برای طرح دعوی در محاکم پذیرفته شده‌اند. در اینصورت بایستی اولاً دستوری از دادگاهی که آن را برای دعوی انتخاب کرده‌اند ارائه دهند و ثانیاً همراه با يك وکیل فرانسوی در دادگاه حضور پیدا نمایند.

11) Citoyens

12) Sujet Français

این موضوع که در ماده ۲۲ قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۴۱ بیان شده به پیروی از فکر نزاکت بین‌المللی بر مبنای رفتار متقابل پی‌ریزی گردیده است.

۱۳- سوم - شرایط خارجیانی که به تبعیت فرانسه درآمده‌اند.

وقتی که یک نفر خارجی امتیازات تابعیت فرانسوی را کسب کرده است آیا می‌تواند بلافاصله پس از انتشار تابعیت در روزنامه رسمی بشفل وکالت اشتغال ورزد؟
نص قانونی که امروزه مورد عمل است ماده ۱۹ دستور ۱۹ اکتبر ۱۹۴۵ در خصوص تابعیت است.

ماده ۸۱ این دستور مقرر داشته است که:

- ۱- هر خارجی که به تابعیت فرانسه درآمده است در مدت ده سال از صدور حکم تابعیت نمی‌تواند از حق انتخاب شدن که خاص فرانسویهاست استفاده نماید.
- ۲- در مدت پنج سال از آن تاریخ از حق انتخاب کردن محروم است.
- ۳- همچنین در مدت پنج سال نمی‌تواند به مشاغل رسمی که بوسیله دولت تعیین شده اشتغال بورزد، در کانون وکلا عضو شود یا تصدی یک شغل وزارتی را بر عهده گیرد. بموجب ماده ۸۲ این عدم صلاحیت شامل کسانی که خدمت سربازی خود را در فرانسه انجام داده‌اند یا کسانی که مدت ۵ سال در صفوف فرانسویان یا متحدین جنگیده‌اند یا کسانی که در زمان جنگ در نیروی نظامی فرانسه خدمت کرده‌اند نمی‌باشد.

طبق ماده ۸۳ کسانی که خدمات استثنائی به فرانسه کرده یا می‌توانند منافع استثنائی به فرانسه برسانند با گزارش مستدل وزیر دادگستری و تصویب هیئت دولت از تمام یا قسمتی از محرومیت‌های مندرج در ماده ۸۱ معاف میشوند.

اما داوطلب شغل وکالت نمی‌تواند از معافیت استفاده کند در صورتی که به وضع وطنپرستانه خود در اثنای جنگ دوم جهانی (۱۹۳۹-۱۹۴۵) توسل جوید یا در خدمات خود در ارتش متحدین استناد نماید.

این موضوع همانست که در تصمیم شورای اداری وکلا در حوزه دادگاه استان ماداگاسکار و همچنین رأی دادگاه استان پاریس انعکاس یافته است.

معدک رویه قضائی مقرر داشته است که خارجیانی که کسب تابعیت کرده‌اند در صورتیکه دو سال سن قانونی خدمت سربازی را در فرانسه انجام داده یا بعلت فقدان دو نفر از خویشان خود در جنگ که بخاطر فرانسه کشته شده‌اند معافیت بدست آورده می‌تواند از معافیت مدت پنج ساله برای اشتغال به وکالت استفاده کند.

۱۴- چهارم - سن قانونی وکالت.

قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۴۱ برای اشتغال به وکالت هیچنوع شرط سنی مقرر نداشته است. باین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که هر جوانی که لیسانس حقوق دارد می‌تواند وارد دوره کارآموزی شود و عملاً کمتر از نوزده سالگی نمی‌تواند باشد

زیرا دوره متوسطه در ۱۶ سالگی پایان مییابد و دوره لیسانس نیز سه سال است. چون سن قانونی ۲۱ سال تمام است در صورتیکه داوطلب هنوز باین سن نرسیده باید درخواست وی بوسیله ولی قهری یا قیم قانونی امضاء و تسلیم شود. این ولایت شبیه ولایت کسی است که طبق ماده ۲ قانون تجارت برای مولی علیه خود امور بازرگانی انجام میدهد. وقتیکه وکیل کارآموزی که بسن قانونی نرسیده مرتکب خطا یا بی‌مبالاتی شود ولایت قهری یا قیمومیت قانونی در خصوص کیفر انتظامی که موجب حذف نام کارآموز از لیست خواهد بود برطرف میگردد.

۱۵- پنجم - زن میتواند وکیل شود.

در حقوق قدیم فرانسه و در تمام مدت قرن ۱۹ شغل وکالت مخصوص مردان بود، تکاملی که در رسوم و آداب پدیدار شده، رهائی و آزادی از قیود که برای زنان بوجود آمده موجب تصویب قانون اول دسامبر ۱۹۰۰ گردید. طبق این قانون وکالت برای همه فرانسویان بدون قید جنس آزاد است. اما این صلاحیت زن فرانسوی يك محدودیت دارد.

وقتیکه زن شوهر کند بموجب قوانین ۱۸ فوریه ۱۹۳۳ و ۲۲ سپتامبر ۱۹۴۲ رژیم مربوط به صلاحیت زن شوهردار برقرار میشود یعنی وقتیکه شغلی را جدا از شغل شوهر پیشه کند موافقت شوهر شرط نیست و میتواند آزادانه اشتغال ورزد. اما بمنظور رعایت احترام ریاست خانواده که متعلق به شوهر است ماده ۲۱۶ جدید قانون مدنی به شوهر حق اعتراض و مخالفت داده. زن شوهردار امروزه میتواند آزادانه وارد کانون شود و شوهر در صورتیکه مخالف باشد میتواند اعتراض کند و رفع اختلاف منوط به دادگاه مدنی محل اقامت آنهاست.

بعلاوه زنان که امروزه میتوانند مشاغل قضائی را عهده‌دار شوند زنان وکیل میتوانند در موارد لازم جانشین قضات در محاکم باشند. این موضوع از زمان تصویب قانون ۱۱ آوریل ۱۹۴۶ عملی شده است.

قسمت دوم

دیپلم لیسانس در حقوق و گواهینامه قابلیت انجام شغل وکالت

(آمادگی)

۱۶- اول.

داوطلب وکالت بوسیله دیپلم لیسانس در حقوق که بوسیله دانشکده‌های فرانسه داده میشود داشتن معلومات حقوقی را با مدرک اثبات میکند. دیپلم لیسانس اعطاء شده از دانشکده‌های خارجی برای کسانی که کسب تابعیت

فرانسه را نموده‌اند برای وکالت کافی نیست. گرچه ممکن است دیپلم خارجی معادل دیپلم فرانسه باشد و از نظر علمی اشکالی نداشته باشد ولی چون قانون دیپلم فرانسه را صریحاً ذکر کرده لذا نمیتوان از راه مقایسه برای اتخاذ عنوان وکالت دیپلم خارجی را جانشین دیپلم فرانسه دانست.

با داشتن معلومات حقوقی گرچه میتوان آوونه، سردفتر، مأمور اجرا شد ولی این امر مجوز وکالت نتواند بود.

اما دیپلم دکتری در حقوق گرچه سودمند است ولی ضروری نیست.

۱۶- مکرر - دوم - معلومات و امتحان آمادگی.

برای وکالت داشتن معلومات و اطلاعات حقوقی کافی نیست بلکه لازم است قابلیت و شایستگی اشتغال باین شغل نیز احراز شود.

احراز این امر بوسیله دیپلم خاصی است که پس از امتحان آمادگی برای قبول شغل وکالت تسلیم میشود.

آمادگی برای وکالت بوسیله قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۴۱ در فرانسه برقرار شده است. قبلاً بموجب فرمان ۲۰ ژوئن ۱۹۲۰ تنها دیپلم لیسانس کافی بود و دیگر آزمایش آمادگی برای ورود در وکالت ضروری نبود.

بعد از ۱۹۲۰ گرایش و تمایل زیاد برای ایجاد تضمینات شدید برای اشتغال بوکالت پیدا شد.

در نتیجه عقیده یکسان کانونهای وکلا ضرورت اصلاح اعلام گردید. گزارش‌های متعددی از جمله از طرف رئیس کانون وکلای اکس ۱۳ به‌کنگره سالانه جامعه ملی وکلا تسلیم گردید.

دلایل زیر برای اصلاح و رفورم بیان شد:

وکیل کارآموز بدون تطبیق علم با عمل و بدون توجیه معلومات حقوقی به‌آموز و مسائل زندگی دوره کارآموزی را میگذرانند. وی غالباً فراموش میکند که چه شغل دشوار و پراز پیچیدگی‌ها و ورطه‌های مهلك را در آینده در پیش خواهد گرفت.

فقط در نتیجه تجارب و آزمونهای ممتد و نامحصور میتواند به قواعد و رسوم وکالت آگاه گردد. بجهت عدم اطلاع مرتکب قصورات و خطاهائی میشود که برای پی بردن به راههای صحیح با خطرات جدی روبرو میشود.

همچنین اکثراً از عملی ساختن قواعد آئین دادرسی و تکنیک تمهیه و تنظیم امور وکالتی و قضایای حقوقی عاجز است.

بعلاوه در شروع بوکالت هنوز به استعدادهای ذاتی و مواهب طبیعی بعلمت عدم آزمایش و عمل پی‌نبرده است. او تصور میکند که خطیب توانائی است در حالیکه هنوز دهان به بیان جمله‌ای باز نکرده است.

مؤیداً به حقوق تطبیقی و با توجه به قوانین دیگر از جمله مقررات وکالت در

آلمان این موضوع بیشتر روشن میشود. در کشور آلمان موضوع آمادگی و امتحان برای ورود به شغل وکالت بموجب قانون اول ژوئیه ۱۸۷۸ برقرار شده است و در انگلستان و ایتالیا نیز دوره (Postage) تأسیس کرده‌اند. آمادگی متضمن تعلیمات حرفه‌ای است که در دوران کارآموزی یاد داده میشود و با يك امتحان پایان مییابد.

باین ترتیب تأمین ضروریات قانونی و علمی و اخلاقی وکالت و مقام و موقعیت اجتماعی آن ایجاب میکند که بر اثر آزمایش‌های ضروری و طی دوره‌های آمادگی و کارآموزی وکلای جوانی که استعداد و لیاقت وکالت را ندارند بیجهت عمر خود را ضایع نکنند و در بدو امر به شغل دیگری روآورند. این امتحانات باعث خروج افراد بی‌استعداد و فاقد قابلیت از کادر وکلا و موجب تصفیه جامعه وکالت میشود و افراد صلاحیت‌دار و با جریزه توفیق حاصل میکنند. مسلماً نتایج و منافع این امر از نظر مراجعه‌کنندگان و موکلان و خود داوطلبان انکارناپذیر است.

قطع نظر ازینکه این سیستم تعلیمات آمادگی و امتحانات با اکثریت قاطع از طرف کنگره ملی وکلا تصویب شده اتحادیه بین‌المللی وکلا نیز آنرا تأیید کرده است. همچنین وزیر دادگستری در ۱۰ ژوئن ۱۹۳۱ بررسی موضوع را به کمیسیون واگذار کرد که نظر کمیسیون مثبت بود.

معدلك میبایستی نزدیک دو سال منتظر شد تا اینکه پروژه تسلیمی به کنگره کان (Caen) در ۱۹۳۴ به نتیجه نهائی برسد.

این تأخیر بر اثر اختلاف عقیده کانون‌های شهرستان باکانون پاریس بود که آنها تأسیس رژیم (Postage) را درخواست میکردند و این یکی معتقد به سیستم (Prestage) بود. بالاخره سیستم اخیر پذیرفته شد. زیرا رژیم پوستاژ معایب زیادی داشت.

انجام يك امتحان در آخر سال اول یا سوم دوره کارآموزی برای کارآموزان جوان که از عهده امتحان برنمی‌آیند موجب اکتلاف عمر و تغییر جهت در مسیر زندگی بود که لاجرم ضرر و خسارت بیار می‌آورد و حال آنکه امتحان در بدو امر و دادن گواهینامه آمادگی ازین مضرات عاری است.

توضیح بیشتر آنکه تعلیمات حرفه‌ای پرستاز در جریان سال سوم دوره لیسانس حقوق انجام میشود و وقت دیگری از عمر جوانان را نمیگیرد و دارنده دیپلم لیسانس گواهینامه گذراندن دوره تعلیمات حرفه‌ای را نیز در دست خواهد داشت. بالاخره قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۴۱ سیستم تعلیمات حرفه‌ای (پرستاز) را با مقررات خاص برقرار کرد.

قانون مزبور پس از رفع اشغال فرانسه از نیروی اجنبی بوسیله حکومت موقتی جمهوری فرانسه تأیید گردید. گواهینامه پرستاز پس از انجام يك امتحان تسلیم میشود و داوطلب باید

بضمیمه دیپلم لیسانس این گواهینامه را نیز به دفتر کانون تحویل دهد.
این قانون همچنین ایجاد دوره‌ها و کنفرانس‌ها و تمرینات عملی را برای گرفتن
این گواهی‌نامه در دانشکده‌های حقوق برقرار کرده است.
تعلیمات پرستار چهار اسم‌نویسی اختصاصی برای سه‌ماهه‌ها و انجام امتحان
لازم دارد.

دانشجویان سال سوم حقوق و حتی لیسانسیه‌ها نیز می‌توانند از این تعلیمات
استفاده نمایند.

این تعلیمات تحت نظر رئیس سابق کانون (Doyen) بوده و امتحانات بوسیله
استادان دانشکده منتخب از طرف شورای دانشکده و قضات منتخب از طرف رؤسای
دادگاه‌ها و وکلای منتخب از طرف شورای کانون و آوونته‌های منتخب از طرف اطاق-
های آوونته‌های حوزه دانشکده بعمل می‌آید.

این تعلیمات شامل موارد زیر است:

۱- دروس مربوط به شغل وکالت.

۲- دروس مربوط به تکنیک آئین دادرسی مدنی.

۳- کارهای عملی، تجربه‌های مربوط به شکایت و دعوی، آئین دادرسی کیفری.

جلسه امتحان همه ساله در نوامبر در محل دادگاه استان بعمل می‌آید.

ژوری امتحان مرکب از استادان، قضات، وکلا، آوونته‌ها تحت ریاست یکنفر
استاد تشکیل می‌شود.

امتحان شامل سه ماده است:

۱- يك انشاء کتبی در مدت سه ساعت برای آزمایش فرهنگ عمومی داوطلب.

۲- سئوالات مربوط به دروس و تکنیک‌های تعلیم داده شده (بررسی پرونده‌ها،
تحریرات مربوط به آئین دادرسی از تنظیم دادخواست و انشاء حکم و قرار،
مشاوره‌ها و تحریر نظرهای مشورتی).

۳- يك سخنرانی برای مدت پانزده دقیقه پس از یکساعت اشتغال به تهیه آن
در يك مسئله حقوقی بطریق قرعه‌کشی.

هرجواب از يك تا ۲۰ نمره دارد و معدل نباید از ۱۲ کمتر باشد.

قسمت سوم

قابلیت در امتحان حقیقی وکالت

۱۷- يك - اصل.

ماده ۳ قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۴۱ مقرر داشته است که:

«هیچکس نمیتواند اسم خود را در فهرست وکلای حوزه‌های استان یا شهرستان
به ثبت برساند مگر اینکه عملاً و واقعاً اشتغال به امر وکالت داشته باشد...»
اجرای عملی و حقیقی شغل وکالت نه تنها شامل انتساب واقعی به زندگی

وکالتی است بلکه شامل وضع مادی و اخلاقی ضروری برای آنست. بطور واقع نه تنها کسانی که از عضویت در کانون و شغل وکالت فقط اسم و عنوان آنرا میخواهند از جامعه وکالت طرد میشوند بلکه حتی کسانی که از نظر جسمانی و روحی امکان انجام شغل وکالت را ندارند از داشتن عنوان وکالت محروم و از این شغل برکنار میشوند.

۱۸ - دو - نتایج.

الف - برای وکالت باید دارای فکر سالم بود. دیوانگان اعم از آزاد یا توقیف حتی اگر دارای عناوین مکتسب باشند نمیتوانند درخواست استاژ یا ثبت در تابلوی وکلا نمایند. اگر وکیلی که قبلاً اسم او ثبت شده است دچار اختلال حواس و دیوانگی شود صفت و صلاحیت وکالت از وی سلب میشود. بدرخواست باتونیه چنین وکیلی معلق میشود. (بعضی از دادگاهها رأی داده اند که این تعلیق باید موقت و به مدت یکسال یعنی دوره کانون باشد).

همین وضع در خصوص اشخاص ضعیف العقل برقرار است که بوسیله شورای انتظامی کانون از وکالت محروم میشوند.

اما راجع به تبذیر و ولخرجی به تنهایی کافی برای تعلیق نیست. اما اگر همراه امور غیر متعارف یا خلاف اخلاق منافی شئون وکالت باشد موجب محرومیت از وکالت است.

۱۹ - ب - بعضی ناتوانیها نیز اجرای واقعی شغل وکالت را غیرممکن میسازد و مانع ازین میشود که داوطلب وارد کارآموزی شود یا اسمش در فهرست وکلا ثبت گردد.

کسی که کر یا کرولال است، کسی که الکن است، کسی که نقص عضو کامل دارد نمیتواند وکیل باشد.

برعکس سنگینی گوش و کوری موجب محرومیت نیست و حتی افراد نابینائی دیده شده که بر اثر هوش و درایت ذاتی کامیابیهای چشمگیر در وکالت بدست آورده و به مقامهای شامخ در کانون رسیده اند.

۲۰ - ج - انجام واقعی وکالت ایجاب میکند که نام وکیل در تابلو ذکر شود و اقامتگاهی برای خود انتخاب کند که حوزه کانون منتسب بآن است. این موضوع شایان کمال اهمیت است و کانونها آنرا دقیقاً مورد توجه قرار میدهند. علت این امر دو موضوع زیر است:

۱- وکیل باید خود را در دسترس مراجعه کنندگان قرار دهد و نمیتواند آنها را مجبور سازد که با تغییر مکانهای وی متحمل سختیها و هزینههای سنگین شوند، همچنین وی باید به آسانی و با اطمینان برای ارجاع امور معاضدتی در دسترس باشد.

۲- از طرف دیگر، وکیل باید بسمولت برای کنترل در اختیار رئیس کانون و شورای اداری باشد.

ولی ضرورت ندارد که وکیل در مرکز دادگاه استان یا شهرستان باشد بلکه میتواند محل دیگری را در حوزه قضائی وابسته برای خود انتخاب نماید.

پاره‌ای از مقررات داخلی کانونها این امر را بیان کرده. چنانکه در ماده ۱ مقررات داخلی کانون پاریس گفته شده است که وکلای عضو کانون پاریس باید اقامتگاهی یا در پاریس یا شهرستان سن (Seine) داشته باشند. رویه قضائی هم آنرا تأیید کرد.

ولی در صورتیکه مقررات داخلی يك کانون طوری تنظیم شده باشد که وکلای را متعهد به داشتن اقامتگاه وکالتی در مرکز حوزه قضائی سازد چنین مقرراتی محکوم به بطلان است. دادگاه استان میتواند بر مبنای دادخواست دادستان یا وکیلی که مخالفت با آن دارد رأی بر الغاء آن بدهد.

اقامتگاهی که در حوزه استان یا شهرستان انتخاب میشود اقامتگاه وکالتی نامیده میشود که نه با اقامتگاه خصوصی و نه با مسکن شخص اشتباه نمیشود. اقامتگاه مزبور جایی است که باید دفتر وکیل در آنجا باشد و فعالیت وکالتی وی متمرکز در آنجا باشد. اما وکیل میتواند اقامتگاه خصوصی خود را خارج از حوزه قضائی قرار دهد.

اقامتگاه حرفه‌ای باید واقعی و مناسب باشد. يك پاتوق ساده (Pied-à-terre) در يك هتل مبله، در يك اطاق مبله، يك اقامتگاه فرضی نزد يك خویش یا نزد يك دوست کافی به عنوان اقامتگاه وکالتی نیست.

اما داوطلب وکالت میتواند به کارآموزی پذیرفته شود در صورتیکه مسکنی در خانه خویشانش دارد که در حوزه قضائی مربوطه اقامت دارند.

در صورتیکه نزد خانواده‌ای زندگی نمیکند باید ثابت کند که يك آپارتمان مبله بنام خود در اجاره دارد که مناسب برای پذیرفتن مراجعه‌کنندگان است. همچنین باید محل مشخصی برای دفتر کار با لوازم متناسب داشته باشد.

بعضی از کانونها خاصه کانون پاریس رفتار کاملاً جدی و سختگیر در خصوص مسکن دارند. وکیل باید مالك اثاثیه و مبلمان خانه باشد. او باید يك کتابخانه اختصاصی حرفه‌ای داشته باشد. آپارتمانش علاوه بر اطاق خواب باید يك سالن برای دفتر کار و يك اطاق انتظار داشته باشد.

وکیل کارآموز نمیتواند در کوی دانشگاه (Cité Universitaire) مقیم باشد.

۲۱- تکلیف و الزام مربوط به داشتن اقامتگاه در حوزه قضائی یا کیفر تعلیق که بوسیله شورای انتظامی کانون اعلام میشود تضمین گردیده است.

دیوان کشور در رأی ۹ نوامبر ۱۹۲۵ گفته است که:

«وکیلی که در حوزه قضائی اقامتگاه ثابت ندارد و در حقیقت در شهر دیگر

وکالت میکند حذف اسم او از فهرست وکلا اقدام صحیح و قانونی است.»
از این رای برمیآید که اگر وکیلی که اسم او در تابلوی وکلای کانون یسک دادگاه استان ثبت شده میتواند آزادانه در تمام حوزه‌های دیگر طرح دعوی کند ولی نمیتواند تمام امور وکالتی‌اش در یک حوزه باشد و نامش در حوزه دیگر ثبت شده باشد. مثلاً اگر کسی در حوزه پاریس ثبت اسم کند ولی در آنجا بوکالت نپردازد بلکه همه روزه در ورسای (Versaille) کار وکالتی انجام دهد حذف اسم وی از فهرست وکلای پاریس از طرف شورای اداری منطبق با اصول و موازین قانونی است.

قسمت چهارم

تضمینات اخلاقی

۲۲- يك - نداشتن محکومیت‌های قبلی.

هیئت وکلا نیروی اخلاقی و فکری خود را از انضباط و تضمیناتی بدست می‌آورند که برای ورود در شغل وکالت ضرورت دارد. داوطلب باید در موقعی که پذیرش به کارآموزی را درخواست میکند یا موقعیکه میخواهد نامش در فهرست وکلا ثبت شود باید نشان دهد که رفتار و اخلاقش ملامت‌پذیر و قابل انتقاد نیست. هر درخواستی باید با يك گواهی حسن پیشینه همراه باشد، بعلاوه داوطلب باید سوابق اطمینان بخشی نیز ارائه دهد. محکومیت‌های دارای جنبه عمومی مانع از پذیرفته شدن داوطلب است. اما محکومیت‌های ضعیف و دارای جنبه خصوصی که سالب شرف و حیثیت *infamant* نیستند مثل محکومیت‌های مربوط به شکار یا صید یا تخلفات ناشی از نقض قوانین عبور و مرور یا جرح غیرعمد و نظائر اینها مانع از درخواست کارآموزی نیست. مثل محکومیت‌های مربوط به شکار یا صید یا تخلفات ناشی از نقض قوانین عبور و مرور یا طرح غیرعمد و نظائر اینها مانع از درخواست کارآموزی نیست. محکومیت‌های جرائم سیاسی بهیچوجه مانع ورود در وکالت نیست زیرا هرگز سالب شرف (*deshonorant*) نمیباشد. شورای اداری کانون وکلا دارای اختیارات کامل در خصوص تشخیص در تمام موارد است. حتی در مورد جرائم سیاسی میتواند با توجه به کیفیت و نوع جرم و جنبه‌های خاص مخالف شأن وکالت درخواست پذیرش داوطلب را رد نماید.

۲۳- دو - نتیجه عفو و بخشودگی.

در صورتیکه داوطلب دارای سابقه محکومیت به جرائم عمومی بوده که بر اثر درخواست عفو مشمول بخشودگی شده است آیا شورای اداری میتواند با وجود ارفاق و ترحم قانون در باره چنین فردی جنبه‌های خاص محکومیت و علل وقوع جرم را مدنظر قرار داده و از پذیرش تقاضای وی خودداری نماید؟

در اینجا باید این موضوع را در نظر گرفت که وقتی جرمی مورد عفو قرار داده میشود در واقع به علل و موجبات وقوع آن توجه بعمل میآید و آثار جزائی آن از بین میرود و مثل اینست که اساساً جرمی واقع نشده.

اما شورای اداری کانون میتواند این قبیل جرائم عفو شده را از زاویه دید وظائف و کالتی مورد توجه قرار دهد و آنرا منافی با شرف و وجدان و درستکاری و سلامت نفس و کیل بداند. شورای اداری در این قبیل موارد میتواند درخواست داوطلب را رد نماید.

۲۴- سه - حسن اخلاق.

فقدان محکومیت جزائی برای پذیرفته شدن داوطلب امر ضروری است ولی کافی نیست.

ماده ۲۲ قانون ۲۶ ژوئن ۱۹۴۱ داشتن اخلاق حسنه را برای داوطلب لازم میدانند. از آنجائیکه وکیل دادگستری در رأس گروه یاوران عدالت است لذا باید با اخلاق حسنه متصف باشد.

در صورتیکه سوابق زندگی داوطلب و اعمال گذشته وی کافی برای اثبات حسن اخلاق وی نباشد شورای اداری نباید تردید در تعویق انداختن درخواست و دستور تکمیل آنکت (ورقه بازجوئی) داشته باشد.

حسب عمل کانونها در صورتیکه داوطلب دارای زندگی آشفته و غیرمنظم باشد درخواست وی رد میشود. زیرا این قبیل افراد دارای هدف نبوده و با سرگشتگی عمر ضایع میکنند و قهراً دچار میخوارگی یا مجالس قمار میشوند و از این راه شرف و آبروی انسانی را از دست میدهند.

شوراهای اداری در این خصوص بحق سختگیری میکنند. زیرا عقیده دارند که پیشبینی کردن و جلوگیری بهتر از تنبیه کردن است ۱۴ سختگیری در پذیرش داوطلب و کالت بهتر از اخراج وی از جامعه و کالت است.

شوراهای اداری دارای حق و اختیار کامل در واری و تجسس گذشتههای داوطلب و وضع خانوادگی وی میباشند. وکیل باید آنچنان انتخاب و پذیرفته شود که تضمینات کافی درباره استقلال و ثبات رأی، شرف و وجدان، پرهیزکاری، سجایای نیک انسانی داشته باشد تا مورد اعتماد مراجعه کنندگان، همکاران و دارسان و سایر متصدیان امور قرار گیرد.

بقیه دارد